

š !!!!! !!!!! Š! !!!!!
!!!! !!!!! !!!!! !!!!! !!!!!
!!æí è! !!!!! •é! ! ! !!!!!
ææ ! !!!!! !!!!! !!!!!

اثبات استنتاجهای بی‌واسطه در قضیه‌های محصوره*

دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی**
E-mail: Hanidayat@hotmail.com

چکیده:

در کتابهای منطق قدیم در تعریف انواع استنتاجهای بی‌واسطه (همچون تناقض، تضاد، دخول تحت تضاد و تداخل) و نحوه صدق و کذب آنها خلطهایی رخ داده و مطالبی بدون اثبات گفته شده است. این مقاله بر آن است تا ضمن نشان دادن این بی‌نظمی منطقی در بعضی از متون مذکور، پس از ارائه تعریف دقیقی از هر یک از این عناوین، قضایایی را که برای اثبات ادعاهای صدق و کذب باید اثبات شوند نشان دهد و سپس آنچه را که در این کتابها بدون اثبات ادعا شده است مستدل کند.

واژه‌های کلیدی: قضیه، صدق، کذب، تناقض، تضاد، سالبه، موجبه، کلیه، جزئیه.

*!! تاریخ وصول ۸۱/۱۱/۵ تأیید نهایی ۸۲/۸/۷
**!- استادیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی

شود. ولی لازم است قبل از پرداختن به مسئله، دربارهٔ انواع قضایای محصوره و نحوهٔ اندراج موضوع و محمول آنها مقدمه‌ای ذکر شود.

مقدمه:

همان‌گونه که در انواع قضایای محصوره آمده است، این قضایا یا موجبهٔ کلیه هستند یا سالبهٔ کلیه یا موجبهٔ جزئیه هستند و یا سالبهٔ جزئیه. همچنین بنا به تعریف قضایای محصوره، در این قضایا، اغلب مصداق موضوع و محمول مورد توجه هستند. باتوجه به نکتهٔ فوق برای بررسی ارتباط موضوع و محمول لازم است ابتدا نسبت بین مصداقهای دو مفهوم به‌طور کلی بررسی شود. این نسبتها در منطق نسب اربعه نامیده می‌شود (البته اگر تقسیم دوگانهٔ عموم و خصوص مطلق را یکی بدانیم). این نسبتها با تقسیم عقلی ثنائی به‌دست می‌آید و لذا حصر عقلی دارد. بر اساس این حصر عقلی مصداق بین دو مفهوم الف و ب را می‌توان بدین گونه دسته بندی و تعریف نمود:

اگر بین مصداق دو مفهوم الف و ب هیچ مصداق مشترکی وجود نداشته باشد، نسبت بین آن دو را «تباين» می‌نامیم. واگر بین مصداقهای دو مفهوم الف و ب مصداق مشترک باشد، دو حالت می‌تواند واقع شود: یا همهٔ مصداقهای الف مصداقهای ب نیز باشند و یا همهٔ مصداقهای الف مصداقهای ب نباشند. در حالت اول دو حالت متصور است: یا همهٔ مصداقهای ب مصداقهای الف نیز هستند که در این صورت نسبت بین الف و ب «تساوی» خواهد بود؛ و یا همهٔ مصداقهای ب مصداقهای الف نیستند که نسبت بین الف و ب «عموم و خصوص مطلق» است که ب اعم است.

حال اگر همهٔ مصداقهای الف مصداق ب نباشند باز دو حالت متصور است: یا همهٔ مصداقهای ب مصداقهای الف نیز هستند که در این صورت نسبت بین الف و ب «عموم و خصوص مطلق» خواهد بود که الف اعم است؛ و یا همهٔ مصداقهای ب مصداقهای الف نیستند که نسبت بین الف و ب «عموم و خصوص من وجه» نامیده می‌شود. با توجه به حصر فوق هیچگاه مصداقهای دو مفهوم نمی‌توانند دو نسبت از نسبتهای فوق را داشته باشند؛ و همچنین غیر از نسبتهای فوق نیز هیچ نسبت دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد.

۳- **موجبه جزئیه:** اگر قضیه «بعضی الفها ب هستند» را تصدیق کنیم، واضح است که بین الف و ب یا رابطه تساوی برقرار است یا رابطه عموم و خصوص مطلق که الف اخص باشد یا عموم و خصوص من وجه یا عموم و خصوص مطلق که الف اعم باشد. اگر بین الف و ب تباین برقرار باشد در آن صورت نمی توان قضیه «بعضی الفها ب هستند» را صادق دانست.
 پس موجبه جزئیه بصورت شکل‌های زیر خواهد بود:



۴- **سالبه جزئیه:** اگر قضیه «بعضی الفها ب نیستند» را تصدیق کنیم، واضح است که بین الف و ب فقط یا رابطه تباین برقرار است یا عموم و خصوص مطلق که الف اعم باشد. اگر بین الف و ب رابطه تساوی یا رابطه عموم و خصوص مطلق که الف اخص است برقرار باشد، در آن صورت نمی توان قضیه «بعضی الفها ب نیستند» را صادق دانست.
 پس سالبه جزئیه بصورت شکل‌های زیر خواهد بود:



حال پس از ذکر این مقدمه‌ها به بررسی استنتاج‌های بی‌واسطه در قضیه‌های محصوره می پردازیم:

الف - تناقض: دو قضیه را وقتی متناقض می گوئیم که موضوع و محمول و زمانشان یکی بوده و از لحاظ سلب و ایجاب و همچنین از لحاظ کلیت و جزئیت با یکدیگر متفاوت باشند.

قضیه الف-۱- اگر قضیه موجبه کلیه صادق باشد قضیه سالبه جزئیه (با همان موضوع و محمول و زمان) حتماً کاذب خواهد بود.

اثبات: اگر قضیه موجبه کلیه صادق باشد به این معناست که بین مصداقهای موضوع و محمول یا رابطه تساوی برقرار است یا رابطه عموم و خصوص مطلقى که موضوع اخص باشد و یقیناً بین موضوع و محمول نه رابطه تباین و نه رابطه عموم و خصوص من وجه و نه رابطه عموم و خصوص مطلقى که محمول اخص باشد برقرار نخواهد بود؛ و این سه رابطه اخیر دقیقاً همان سه رابطه‌ای است که در سالبه جزئیه باید یکی از آنها می‌بود تا سالبه جزئیه صادق می‌بود. حال چون هیچ یک از این سه رابطه برقرار نیست پس حتماً سالبه جزئیه کاذب خواهد بود.

قضیه الف-۲- اگر سالبه کلیه کاذب باشد حتماً موجبه جزئیه صادق خواهد بود.

اثبات: اگر قضیه سالبه کلیه کاذب باشد یعنی بین مصداقهای موضوع و محمول رابطه تباین برقرار نیست؛ و این خود به این معنی است که بین این مصداقها حتماً یکی از رابطه‌های باقی مانده برقرار است. این رابطه‌ها تساوی، عموم و خصوص من وجه، عموم و خصوص مطلق به هر دو صورت آن هستند؛ و این روابط دقیقاً همان روابطی هستند که یکی از آنها در موجبه جزئیه بین موضوع و محمول باید برقرار باشد تا صدق موجبه جزئیه را نتیجه دهد. با این تفصیل معلوم می‌شود که موجبه جزئیه حتماً صادق است.

ب- تضاد: دو قضیه را وقتی متضاد می‌گویند که موضوع و محمول و زمان آنها یکی بوده، و هر دو نیز کلیه باشند ولی از لحاظ سلب و ایجاب متفاوت باشند. پس متضاد قضیه «هر الف ب است» قضیه «هیچ الف ب نیست» خواهد بود؛ و متضاد «هیچ الف ب نیست» قضیه «هر الف ب است» خواهد بود.

حال با توجه به این تعریف از دو قضیه متضاد، در باره صدق و کذب آن می‌خواهیم چنین حکمی را اثبات کنیم که، «اگر یکی از دو قضیه متضاد صادق باشد، حتماً دیگری کاذب خواهد بود، ولی اگر یکی از آن دو کاذب باشد، دیگری می‌تواند صادق یا کاذب باشد (یعنی درباره صدق و کذب دیگری نمی‌توان حکم کرد)». برای اثبات این مطلب باید چهار قضیه زیر را ثابت نمود:

